

مجموعه مباحث اخلاقی

مناجات امام علیه السلام و درخواست الهام

استاد معظم
حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

۱۴ آذر ماه ۱۳۸۶

۲۴ ذی القعدة ۱۴۲۸

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله
على أعدائهم أجمعين .

اللهم ألهمنا طاعتك وجنبنا معصيتك ويسر لنا بلوغ ما نتمنى من
ابتغاء رضوانك وأحللنا بحبوبة جنانك واقشع عن بصائرنا سحاب
الارتياح واكشف عن قلوبنا أغشية المرية والحجاب»^(١) .

بارالها! طاعت و بندگیت را بر قلب ما الهام کن و ما را از عصیان دور ساز و راه
وصول به مقام رضای خود را که آرزومند آن هستیم بر ما آسان گردان . و ما را
در میان بهشت ، منزل کرامت کن و از چشم بصیرت و دل‌های آگاه ما ابرهای
تاریک و پرده‌های ظلمانی شک و ریب را دور ساز و پرده‌های دو دلی و کور
دلی را از دل‌های ما بر طرف کن .

مقدمه؛

مناجات هفتم از مناجات‌های پانزده گانه امام زین العابدین عليه السلام مناجات
« مطيعين لله » نام دارد .

در این نیایش عاشقانه ، امام عليه السلام از جایگاه بنده‌ای که تشنه وصول

١- مناجات خمسة عشر، مناجات المطيعين لله .

رضای الهی است با خداوند عالم سخن می‌گویند و از محضر حضرت حقّ (سبحانه و تعالی) درخواست می‌کنند که توفیق طاعت و بندگی و پرهیز از گناه و معصیت را به ایشان عطا فرماید.

معنای الهام؛

نخستین واژه‌ای که در این مناجات نیاز به تأمل دارد، کلمه «الهام» می‌باشد. در اولین فراز این مناجات امام سجّاد علیه السلام می‌فرماید:

«اللهم ألهمنا طاعتك».

بارالها طاعت و فرمانبرداری را بر ما الهام نما.

دانشمندان الهام را این‌گونه تعریف کرده‌اند.

«لهم: الإلهام، الإلقاء الشيء في الروح ويختص ذلك بما كان من جهة الله تعالى وجهة الملاء الأعلى»^(۱).

الهام به معنای قرار دادن چیزی در وجود دیگری است و آن مختص به خداوند و ملکوت اعلی می‌باشد.

الإلهام: أن يلقي الله في النفس أمراً، يبعثه على الفعل أو الترك، وهو نوع من الوحي يخص الله به من يشاء من عباده»^(۲).

الهام یعنی خداوند چیزی را در نفس قرار دهد، که شخص را به سوی انجام دادن و یا ترک کاری برانگیزد و آن نوعی [و مرتبه‌ای] از وحی است که خداوند به بندگان مخصوصش عطا می‌کند.

۱- مفردات غریب القرآن، صفحه ۴۵۵.

۲- النهایة، جلد ۴ صفحه ۲۸۲.

از مجموع تعاریفی که با توجّه به آیات قرآن از کلمه الهام ارائه شده است، در می‌یابیم الهام به دریافت‌هایی اطلاق می‌شود که جنبه رحمانی دارد و بر جان و روح برخی از بندگان خاصّ خداوند می‌نشیند و این تفضّل و عنایتی است از ناحیه خداوند متّان که برخی از عباد الله به آن نائل می‌گردند.

الهام در قرآن؛

به طور خلاصه، الهام به یک نوع افاضه معنوی اطلاق می‌شود و در قرآن نیز از آن یاد شده است. وحی و الهام دو واژه‌ای است که به طور مکرّر در قرآن مجید ذکر شده و تقریباً یک معنا را افاده می‌کنند، با این تفاوت که یک نوع از وحی مخصوص انبیاء علیهم‌السلام می‌باشد و بندگان و موجودات دیگر از آن بی‌بهره می‌باشند. تنها نصیب بندگان و سایر موجودات از وحی، الهامات الهی می‌باشد، امّا در بعضی از موارد قرآن مجید از این گونه الهامات به وحی تعبیر کرده است.

خداوند متعال در رابطه با زنبور عسل می‌فرماید:

﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ﴾^(۱).

و پروردگار توبه زنبور عسل وحی (والهام غریزی) نمود که از کوهها و درختان و دار بستهایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین.

نمونه دیگری که در قرآن از الهام به وحی تعبیر شده است، داستان

۱- سوره نحل، آیه ۶۸.

حضرت موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ است. وقتی فرعون آگاه گردید که در آینده نزدیک فرزندی به دنیا می‌آید که حکومت وی را سرنگون می‌کند، دستور قتل عام نوزادان را صادر کرد. مادر حضرت موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ مخفیانه وضع حمل نمود و چون برای آینده فرزندش بسیار نگران بود، خداوند متعال به او الهام کرد که:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خَفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾^(۱).

ما به مادر موسیٰ وحی (الهام) کردیم که او را شیرده و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریای نیل بیفکن و نترس و غمگین مباش، که ما او را به تو باز می‌گردانیم، و او را از رسولان قرار می‌دهیم.

شاعر در این زمینه سروده است:

باز وحی آمد که: در آتش فگن روی در اومید دار و مو مکن
در فگن در نیلش و کن اعتماد من ترا با وی رسانم رو سپید^(۲)

الهام یا قدرت تشفیص؛

خداوند سبحان در سوره مبارکه شمس پس از چند سوگند که از اهمیت موضوع حکایت می‌کند، می‌فرماید: ما به همه انسانها - اعم از مسلمان و غیر مسلمان، شیعه و غیر شیعه - قدرت درک و فهم زشتی و زیبایی را دادیم.

۱- سوره قصص، آیه ۷.

۲- مثنوی معنوی، دفتر سوم بیت ۹۵۹.

﴿ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا * وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا * وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا * وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا * وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا * قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴾^(۱).

به خورشید و گسترش نور آن سوگند * و به ماه هنگامی که بعد از آن در آید * و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد * و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند * و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرد * و زمین و کسی که آن را گسترانیده * و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را آفریده و منظم ساخته * **سپس فجور و تقوا (شر و خیرش) را به او الهام کرده است** * که هر کس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده.

خداوند متان به انسانها نعمت و قدرتی عنایت فرموده است که می‌توانند با آن نیکی را از بدی باز شناسند. این قدرت، به فرموده قرآن مجید الهام نام دارد.

انسانها نباید از این قدرتی که خداوند متعال به طور فطری در وجود آنان به ودیعه نهاده است، غافل گردند و باید از این قدرت شناخت در راستای تکامل ملکات و حسنات اخلاقی استفاده نمایند.

همه انسانها در پهنه گیتی بدون اینکه نیاز به آموزگار داشته باشند، می‌دانند که راستگویی، صداقت، وفا به عهد، حفظ حقوق دیگران، امانتداری، مهربانی و عطوفت با دیگران و... صفات و ملکاتی بسیار پسندیده و زیبا می‌باشند و انسانهایی را که به این حسنات آراسته باشند می‌ستایند. در مقابل

۱- سوره شمس، آیات ۹-۱.

صفاتِ چون، دروغ‌گویی، غیبت، خیانت، عهد شکنی و... از سیئات اخلاقی می‌باشد که نزد همگان و در همهٔ جوامع بشری زشت و ناپسند می‌باشد. این قدرتِ شناخت فطری که همهٔ انسانها از آن برخوردارند و به طور کلی خوبیها را از بدیها تشخیص می‌دهند، «الهام» نام دارد، که خداوند متعال انسانها را از آن بهره‌مند نموده است، در این زمینه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ﴾^(۱).

این فطرتی است که خداوند، انسانها را بر آن آفریده، دگرگونی در آفرینش الهی نیست.

ضرورت وجود انبیاء علیهم‌السلام؛

سؤالی که ممکن است پس از شنیدن این سخنان ذهنها را به خود مشغول سازد، این است که اگر خداوند توان شناخت خیر و شر را به بشر عطا فرموده است دیگر چرا پیامبران علیهم‌السلام مبعوث شده‌اند؟ در پاسخ به این سؤال بهترین جواب این است که بگوییم: درست است که خداوند متعال قدرت شناخت و تشخیص کلیات و امتهات فضایل و رذایل را به انسانها عطا فرموده است اما شناخت جزئیات هر کدام از آنها از عهدهٔ انسانها خارج است، و پیامبران علیهم‌السلام عهده دار این امر خطیر می‌باشند. اگر انسان توان بازشناسی جزئیات فضایل و رذایل را می‌داشت، دیگری نیازی به پیامبران علیهم‌السلام و بعثت آنها نداشتیم و هدایت تشریحی امری لغو و بیهوده بود.

۱-سورهٔ روم، آیه ۳۰.

خداوند سبحان در رابطه با ضرورت ارسال رسل می‌فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ﴾^(۱).

او کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد و مسلماً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند.

انبیاء عليهم السلام بر اساس تعلیمات الهی، به صورت جزئی و گام به گام به تزکیه و پالایش انسانها می‌پردازند. اما الهامی که خداوند متعال به انسانها عنایت فرموده است و آنها بر اساس آن قدرت تشخیص سره از ناسره را دارند و به تزکیه خود می‌پردازند، تنها در محدوده کلیات می‌باشد و آنها بدون استفاده از تعلیمات انبیاء عليهم السلام نمی‌توانند در مسیر سعادت قطعی گام بردارند.

برای روشن شدن مطلب به این مثال توجه فرمایید؛ قدرت شناخت و به عبارت دیگر قدرت عاقله، و درآکه انسانها همانند چراغی روشن می‌باشد که به اطراف خود نورافشانی می‌کند و همه جا را روشن می‌سازد اما به مرور زمان، غبار و گرد بر این چراغ می‌نشیند و موجب تاری و تیرگی آن می‌گردد در نتیجه این چراغ دیگر قدرت نور افشانی گذشته را ندارد و نمی‌توانند همانند قبل پیرامون خود را روشن سازد. انبیاء عليهم السلام موظفند این گرد و غبار را از روی چراغ دل بندگان بزدایند.

۱-سوره جمعه، آیه ۲.

از این مثال می‌توان این استفاده را نیز کرد که تعلیمات انبیاء علیهم‌السلام انسانها را به همان فطرت اولیه و الهی باز می‌گرداند، آن‌گاه انسانها می‌توانند، راه را از بی‌راهه باز شناسند.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام به همین مطلب اشاره می‌کنند و می‌فرمایند:

«فَبِعَثِّ فِيهِمْ رَسَلَهُ وَوَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لَيْسَتْ أَدْوَاهُ مِيثَاقِ فِطْرَتِهِ، وَيَذَكَّرُونَ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ وَيَحْتَجُّوْنَ عَلَيْهِم بِالتَّبْلِيغِ وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَيُرَوِّهُمُ الْآيَاتِ الْمَقْدَرَةَ»^(۱).

خداوند رسولانی را برانگیخت و پیامبران را پیاپی به سوی آنان (مردم) فرستاد تا مردم را به ادای پیمانی فطری که با آفریدگارشان بسته بودند، وادار نمایند و نعمت فراموش شده او را به یادشان بیاورند و با تبلیغ دلایل روشن و وظیفه رسالت را به جای آورند و نیروهای مخفی عقول مردم را برانگیزانند و باور سازند و آیات با عظمت الهی را که در هندسه کلی هستی نقش بسته است به آنان بنمایانند.

الهام، خاص برگزیدگان؛

نکته‌ای که ذکر آن در این بحث خالی از لطف نیست این است که الهام به معنای عام، تفضلی از خداوند متان است که همه انسانها از آن برخوردار و بهره‌مند می‌باشند. اما با دقت در آیات قرآن مجید و تعاریفی که اهل فن از واژه الهام ارائه داده‌اند در می‌یابیم که یک نوع دیگر از الهام نیز وجود دارد که

۱- نهج البلاغه، خطبه شماره ۱.

مخصوص بندگان خاصّ خداوند متعال می‌باشد و خداوند سبحان به انبیاء علیهم‌السلام و بندگان خاصّ خود این نعمت و کرامت را اختصاص داده است و دیگر انسانها از آن بی بهره هستند.

حضرت صدیقه کبری علیها‌السلام در نیایشی از درگاه ذوالجلال ربوبی چنین درخواست می‌نمایند:

«وَأَلْهَمْنِي طَاعَتَكَ وَالْعَمَلَ بِمَا يَرْضِيكَ وَالتَّجَنُّبَ عَمَّا يَسْخَطُكَ».

بارالها! به من طاعت و عملی که تو را خشنود می‌کند و دوری از کاری که تو را غضبناک می‌کند الهام کن.

امام سجّاد علیه‌السلام نیز در این مناجات چنین تقاضایی از خداوند سبحان دارند و می‌فرمایند:

«اللَّهُمَّ أَلْهَمْنَا طَاعَتَكَ».

این دو بزرگوار علیهم‌السلام به ما می‌آموزند که اگر خداوند سبحان قدرت دریافت و فهم طاعت و عبادت را به ما عطا فرماید همه چیز را به دست آورده‌ایم و ما فقط باید اراده حرکت در این مسیر را در خود تقویت کنیم.

زمینه سازی و کسب قابلیت؛

امّا نکته قابل توجه این است که این الهام خاصّ به رایگان در اختیار بندگان قرار نمی‌گیرد و گنج‌شایگانی است که طلب آن رنج فراوانی می‌طلبد. عنایات و تفضّلات الهی، بدون داشتن قابلیت و استعداد شامل حال کسی نمی‌شود. خداوند متعال جواد است و از ناحیه حضرتش امساک و وجود

ندارد و فیض الهی همیشه در جریان می‌باشد. به عبارت دیگر ضعف از ناحیه فاعل نیست؛ زیرا فاعل ذات ذوالجلال ربوبی است که در فاعلیت، تامّ و بی نقص است. ضعف و کاستی از ناحیه ما بندگان می‌باشد. به عبارت دیگر ضعف از طرف قابل است؛ زیرا قابلیت، استعداد و شایستگی برخورداری از الهام خاص را در وجودمان فراهم نکرده‌ایم.

خداوند متعال، حکیم است و تدبیر و اداره جهان نیز بر اساس حکمت الهی می‌باشد. در این راستا اگر بدون فراهم کردن زمینه مناسب از الهام خاص برخوردار گردیم، بر خلاف مقتضای حکمت الهی خواهد بود.

گام اول: تقوی و پرهیزگاری؛

اکنون که دانستیم بهشت وصال حضرت حق را به بها می‌دهند، خوب است که راه رسیدن به آن را نیز بدانیم. برای به دست آوردن الهام خاص نخست باید زمینه آن را فراهم نمود. برای این منظور ابتدا باید در اطاعت و عبادت، تداوم و ممارست داشته باشیم.

خداوند متعال می‌فرماید:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَل لَّكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ﴾^(۱).

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر از مخالفت فرمان خدا بپرهیزید، برای شما وسیله‌ای جهت جدا ساختن حق از باطل قرار می‌دهد (روشن بینی خاص که

۱-سوره انفال، آیه ۲۹.

در پرتو آن، حق را از باطل خواهید شناخت) و گناهانتان را می‌پوشاند و شما را می‌آموزد و خداوند صاحب فضل و بخشش عظیم است.

و در آیهٔ دیگر می‌فرماید:

﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^(۱).

از خدا بپرهیزید، و خداوند به شما تعلیم می‌دهد، خداوند به همه چیز داناست.

و در آیهٔ دیگر می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ﴾^(۲).

و آنها که در راه ما با خلوص نیت جهاد کنند قطعاً به راههای خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند با نیکوکاران است.

از مجموع آیات قرآن مجید در می‌یابیم که خداوند متعال توان تشخیص حق از باطل را به راحتی به بندگان عنایت نمی‌کند بلکه در پرتو یک سلسله اعمال صحیح و شایسته، تَوَرُّع و پرهیزگاری استعداد و قابلیت در وجودمان فراهم می‌گردد. در آن صورت خداوند سبحان قدرت و معرفت جدا نمودن خوبی از بدی را به ما عطا می‌نماید.

گام دوم: افلاص در عمل؛

با مراجعه به آیات و روایات هم همین نتیجه به دست می‌آید، علاوه

۱- سورهٔ بقره، آیه ۲۸۲.

۲- سورهٔ عنکبوت، آیه ۶۹.

بر اینکه تمام اعمال عبادی برای به ثمر نشستن، یک شرط اساسی هم دارد که همان اخلاص در عمل است.

در روایتی پیامبر ﷺ می‌فرماید:

«من أخلص لله أربعين يوماً فجرَّ الله ينابيع الحكمة من قلبه على لسانه»^(۱).

هر کس خود را برای خدا چهل روز خالص کند، چشمه‌های حکمت از قلبش می‌جوشد و بر زبانش جاری می‌گردد.

تقاضای دریافت الهام خاصّ از ذات ذوالجلال ربوبی، تنها یک دعا و درخواست لفظی و به عبارتی یک لقلقهٔ زبانی نمی‌باشد. باید زحمت کشید و تلاش نمود تا استعداد و قابلیت دریافت الهام خاصّ در وجودمان بارور گردد. تداوم در عبادت و خالص کردن عمل برای خداوند یکی از عوامل جوشیدن چشمه‌های حکمت در قلب می‌باشد. در آن هنگام، زبان، دست و همهٔ اعضا و وجودمان تحت تأثیر فوران حکمت الهی قرار می‌گیرد.

بیان این نکته در رابطه با اخلاص ضروری می‌باشد که اخلاص همانند ایمان مقول به تشکیک و به عبارت ساده‌تر دیگر دارای مراتب و درجات مختلفی می‌باشد؛ همانند نور آفتاب، چراغ و شمع که هر سه دارای نور هستند و فضای اطراف خود را روشن می‌سازند اما نور آفتاب بسیار شدید می‌باشد و نور شمع ضعیف است و فضای کمی را روشن می‌سازد.

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

۱- بحار الانوار، جلد ۶۷، صفحه ۲۴۹.

«بالاخلاص تتفاضل مراتب المؤمنين»^(۱).

به وسیله اخلاص بین درجات مؤمنین تفاضل ایجاد می شود.

شخصی همانند وجود مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام دارای درجه بسیار بالایی از اخلاص می باشند و سایرین در درجات پایین تری از اخلاص قرار دارند. امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ خندق، پهلوان اعراب را به خاک انداختند و بر سینه او نشستند تا سر از بدنش جدا کنند، اما زود برخاستند، لحظه ای درنگ نمودند و سپس سر از بدن او جدا کردند، هنگامی که از علّت صبر و تأمل ایشان سؤال شد، در پاسخ فرمودند:

«قد كان شتم أمي وتفل في وجهي فخشيت أن أضربه لحظ نفسي

فتركته حتى سكن ما بي ثم قتلته في الله»^(۲).

مادرم را دشنام داد و آب دهان به صورتم انداخت، ترسیدم که کشتن او به خاطر بهره خودم باشد، پس رهایش کردم و هنگامی که آرام گرفتیم، او را در راه خدا به قتل رساندم.

شاعر نیز در رابطه با این واقعه بسیار زیبا سروده است.

از علی آموز اخلاص عمل	شیر حق را دان مطهر از دغل
در غزا بر پهلوانی دست یافت	زود شمشیری بر آورد و شتافت
او خدو انداخت بر روی علی	افتخار هر نبی و هر ولی
در زمان انداخت شمشیر آن علی	کرد او اندر غزایش کاهلی ^(۳)

۱- تنبیه الخواطر، جلد ۲ صفحه ۱۱۹.

۲- بحار الانوار، جلد ۴۱ صفحه ۵۱.

۳- مثنوی معنوی، دفتر اول ابیات ۳۷۲۱ به بعد.

آری! امیرالمؤمنین علیه السلام اخلاص عمل خود را این چنین حفظ می نمایند. در برابر توهینی که طبع بشر واکنش نشان دادن نسبت به آن است، صبر می کنند تا اخلاص عمل ایشان تحت تأثیر حس انتقام جویی قرار نگیرد.

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام می فرماید:

«ما أنعم الله عزوجل على عبد أجل من أن لا يكون في قلبه مع الله غيره». خداوند هیچ نعمتی بالاتر از آن نداده است که در قلب بنده اش غیر از خدا هیچ کس نباشد.

ما باید تمام کارهایمان را بگونه ای انجام دهیم که به هیچ وجه اخلاص آن مخدوش نگردد، و فقط رضایت خداوند را مد نظر داشته باشیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در نصیحتی به ابوذر می فرماید:

«إذا أراد الله عزوجل بعبد خيراً فقهه في الدين وزهده في الدنيا وبصره بعيوب نفسه»^(۱).

اگر خداوند متعال خیر بنده ای را بخواهد، او را در دین فقیه، در دنیا زاهد و بینا به عیوب و بدیهای خودش می کند.

گام سوم: جلوگیری از هرزه‌گی زبان و دل؛

زبان عضوی است که منشأ تمام خیرها و شرها است. اگر کنترل شود و بیهوده به حرکت در نیاید صاحبش را به همجواری با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نایل

۱- مستدرک الوسایل، جلد ۱۲ صفحه ۴۲.

می‌کند و اگر به . یاوه‌گویی باز شود، نور حکمت و معرفت را در نهاد آدمی خاموش می‌کند .

در روایتی رسول الله ﷺ می‌فرماید :

«لولا تكثير في كلامكم و تمريج^(۱) في قلوبكم لرأيتم ما أرى و لسمعتم ما أسمع»^(۲) .

اگر زیاده‌گویی شما در سخن و هرزه‌گی دل‌هایتان نبود می‌دیدید آنچه را من می‌بینم و می‌شنیدید آنچه را من می‌شنوم .

رسول الله ﷺ به ما وعده می‌دهند که اگر یاوه‌گویی را ترک کنیم و از هرزه‌گی دل‌هایمان جلوگیری نماییم و نگذاریم که دل‌هایمان چراگاه شیطان گردد و هر چارپا و استری در آن به چرا بپردازد، ما نیز آن چه را که پیامبر ﷺ می‌شوند خواهیم شنید و آن چه را ایشان می‌بینند خواهیم دید . رسول الله ﷺ کلام الهی را می‌شنیدند و فرشتهٔ وحی را می‌دیدند و تا، ملکوت اعلیٰ پیش رفتند بگونه‌ای که خداوند فرمودند :

﴿فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ﴾^(۳) .

تا آنکه فاصلهٔ او (با پیامبر ﷺ) به اندازهٔ فاصلهٔ دو کمان یا کمتر بود .

در یک حدیث شریف قدسی خداوند از آنچه پیامبر ﷺ فرموده‌اند فراتر رفته و فرمایشی دارند که همگان را به شگفتی وا داشته است . خداوند

۱- مرج به معنای چراگاه می‌باشد، منطقه‌ای در سوریه که آرمگاه حجر ابن عدی در آن قرار دارد به نام مرج العذراء می‌باشد زیرا آن منطقه خطه‌ای سر سبز و چراگاهی وسیع بود .

۲- تفسیر المیزان، جلد ۵ صفحه ۲۷۰ .

۳- سورهٔ نجم، آیه ۹ .

تبارک و تعالی می‌فرماید:

«عِبْدِي أَطْعَنِي حَتَّى أَجْعَلَكَ مِثْلِي»^(۱).

بنده من! مرا اطاعت کن تا تو را مثل خودم قرار دهم.

جلوگیری از هرزه‌گی زبان و دل یکی دیگر از عوامل ایجاد استعداد و قابلیت برای دریافت الهامات الهی می‌باشد.

امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام به آنچه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند دست یافتند؛

زیرا رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حق امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

«إِنَّكَ تَسْمَعُ مَا أَسْمَعُ وَتَرَى مَا أَرَى إِلَّا أَنْكَ لَسْتُ بِنَبِيٍّ وَلَكِنَّكَ وَزِيرٌ وَإِنَّكَ

لَعَلِي خَيْرٌ»^(۲).

همانا تو می‌شنوی، آنچه را من می‌شنوم، و می‌بینی آنچه را من می‌بینم، جز

این که تو پیامبر نیستی و وزیری و بر راه خیر می‌روی.

هنگامی که چنین زمینه و استعدادی فراهم شود، دل محلّ الهامات

الهیّه می‌گردد و ایمان، طاعت و عبادت از آن فوران می‌نماید.

در این جا نیز مناسب است به شعری که شیخ بهایی رَحِمَهُ اللهُ در صمدیه

آورده است استناد نماییم.

إِنَارَةَ الْعَقْلِ مَكْسُوفٌ بِطُوعِ هَوَى وَعَقْلٌ عَاصِيٌّ الْهَوَى يَزِدُّهُ تَنْوِيرًا^(۳)

آفتاب عقل در کسوف هوا و هوس قرار گرفته است و عقلی که از هوس

نافرمانی کند، نورافشانی آن افزون می‌گردد.

۱- بحار الانوار، جلد ۱۰۲، صفحه ۱۲۴.

۲- نهج البلاغه، خطبه فاصعه شماره ۱۹۲.

۳- جامع المقدمات، کتاب صمدیه.

پایان سخن؛

خلاصه سخن اینکه الهام دارای دو نوع می‌باشد؛ یک نوع از آن عام است و خداوند متعال به وسیله آن، انسانها را بر سایر موجودات برتری داده است و آن قدرت دریافت و تشخیص خوبی از بدی و زیبایی از زشتی است. نوع دیگر الهام که برتر و با فضیلت‌تر می‌باشد، مخصوص بندگان برگزیده خداوند سبحان می‌باشند، و خداوند متعال فقط آنان را از این مرحمت بهره‌مند ساخته است.

آنان کسانی هستند که با نور خدا و از منظر الهی به دنیا می‌نگرند. رسول الله ﷺ می‌فرماید:

«المؤمن ينظر بنور الله»^(۱).

مؤمن با نور خدا می‌نگرد.

خداوند متعال برای این دسته از مؤمنان در برابر حوادث، نور و روشنایی قرار می‌دهد و از آنان دستگیری می‌کند و آنان را از مخاطرات و پرتگاهها نجات می‌دهد، تا مبدا پای آنان بلغزد.

اما داشتن این نوع از الهام، به راحتی به دست نمی‌آید و نیاز به هزینه و سرمایه دارد. ممارست در طاعت و عبادت موجب به دست آوردن این نوع از الهام می‌گردد. آنگاه خداوند متعال ایمان و هدایت ما را تضمین می‌کند تا از هر وادی مخاطره‌آمیزی با سلامت عبور کنیم.

خداوند متعال انشاء الله همه ما را از لغزشهای نفسانی محافظت فرماید.

«والسلام عليكم ورحمة الله وبركاته»

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد ۱ صفحه ۶۷.

... اللهم دارای دو نوع می باشد؛ یک نوع از آن عامّ

است و خداوند متعال به وسیله آن، انسانها را بر سایر موجودات برتری داده است و آن قدرت دریافت و تشخیص خوبی از بدی و زیبایی از زشتی است. نوع دیگر اللهم که برتر و با فضیلت تر می باشد، مخصوص بندگان برگزیده خداوند سبحان می باشند، و خداوند متعال فقط آنان را از این مرحمت بهره مند ساخته است.

(صفحه ۱۹ از همین جزوه)

www.yasrebi.ir

پست الکترونیک: info@yasrebi.ir

محل برگزاری جلسات :

چهارراه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۲۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹